

ناکارآمدی رابطه دانشگاه و صنعت

* حمیده دباغی

* استادیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

h.dabaghi@atu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲

چکیده

مقاله حاضر به رصد وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و شناسایی مهمترین چالش‌ها و مشکلات آنها در مسیر کاریابی در بازه زمانی ۱۰ سال اخیر می‌پردازد. رویکرد تحقیق ترکیبی است. در فاز اول تحقیق، پرسشنامه آنلاین طراحی شد و به جامعه آماری ۲۰۸۸ نفری ارائه شد و ۲۶۸ نفر از آنها در پیمایش شرکت کردند. یافته‌های توصیفی حاصل از پیمایش نشان می‌دهد که، ۶۸،۳ درصد از فارغ‌التحصیلان که از این تعداد ۳۵،۱ درصد از آنها شغل دائم دولتی و کمترین تعداد معادل با ۶،۳ درصد خود اشتغال بودند و ۳۱ درصد هم بیکار و در جستجوی کار می‌باشند. ۴۷ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که در یافتن شغل با مشکلات زیادی مواجه بودند و مهمترین مشکلاتی که شناسایی شده به گزینش ناعادلانه در بازار کار، عدم تعامل دانشگاه و بازار، ابهام ماهوی و کارکردی برای کارفرمایان، مشکلات فردی و ناپایداری بازار کار در کشور، باز می‌گردد. یافته‌های تحقیق در فاز دوم، حاکی از قطع ارتباط دانش‌آموختگان دانشگاهی با دانشگاه و عدم بهره‌مندی آنها از شبکه روابط حمایتی اساتید و متخصصان پس از اتمام دوره تحصیلی، تقاضا محور نبودن رشته‌های دانشگاهی و عدم آشنایی بازارکار با پتانسیل‌های

فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است که موجب گسست پیوند میان دانشگاه و بازار کار می‌شود. مشکل دیگر به تعریف محتوای درسی به صورت نظری به ویژه در اکثر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی باز می‌گردد که موجب شده محتوای آموزشی فاقد دوره‌های کارآموزی و تجربه کردن کار در میدان عمل باشد.

واژه‌های کلیدی: صنعت / بازار و دانشگاه، اشتغال فارغ‌التحصیلان، علوم اجتماعی.

نوع مقاله: علمی

۱- بیان مساله

اهمیت دیگر آموزش عالی و تمایز آن از سطوح دیگر آموزشی، فاصله زمانی اندک این مرحله از آموزش، تا مرحله دیگر زندگی فرد و ورود او به عرصه اجتماع از طریق شغل است. بدین جهت آموزش عالی می‌بایست شایستگی‌های لازم را در دانشجویان برای ورود کارآمد به بازار کار پدید آورده و موجبات موفقیت آنان را در موقعیت‌های شغلی را فراهم نماید. اگرچه سال‌ها نظر بر این بود که نرخ بیکاری با ارتقاء سطح آموزش عالی، کاهش می‌یابد به طوری که تقریباً این نرخ در میان دانش‌آموختگان آموزش‌های عالی به صفر می‌رسد، اما نگاهی بر آمارهای بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، امروز، این نظر را متزلزل ساخته است و محققان بر این

رابطه بین دانشگاه و صنعت یکی از مسائل اساسی در حوزه آموزش عالی و توسعه اقتصادی است که تأثیر بسزایی بر پیشرفت جامعه دارد. این رابطه از طریق ارتباط و همکاری بین دو عامل دانشگاهی و صنعتی برای توسعه دانش، فناوری، و نیازمندی‌های اجتماعی و اقتصادی، ایجاد می‌شود. از یکسو، صنعت نیز می‌تواند با ارائه منابع مالی، فنی، و زیرساختی به دانشگاه‌ها، به توسعه و پیشرفت تحقیقات و آموزش در دانشگاه‌ها کمک کند. این همکاری‌ها باعث افزایش کیفیت آموزش دانشگاهی، ایجاد فرصت‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان، و ارتقای سطح فناوری و نوآوری در صنایع مختلف می‌شود و از سوی دیگر دانشگاه‌ها می‌توانند نیروی انسانی کارآمد و با دانش فنی مورد نیاز صنعت را در اختیار آنها بگذارند.

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: حمیده دباغی H.dabaghi@atu.ac.ir

اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲، هر دو افزایش را نشان می‌دهد. شاخص بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال قبل، ۲,۲ درصد و جمعیت شاغل در گروهی مشابه برابر ۱,۱ درصد افزایش داشته است. همانطور که در جدول شماره ۱ آمده، سهم جمعیت بیکار ۱۵ ساله و بیشتر فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران برابر با ۴۳ درصد و سهم اشتغال آنها برابر با ۲۷,۶ درصد برای زنان و مردان است. همچنین زنان فارغ‌التحصیل بیکار (۶۸,۴ درصد) سهمی بیش از دو برابر مردان در گروه مشابه (۳۰,۲ درصد) دارند. این آمارها، در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بالاتر است [۴].

باور رسیده‌اند که بی‌توجهی به تحلیل نیروی انسانی متخصص، عملاً باعث شده که - وضعیت تقاضای نیروی کار متخصص در کشور چه از نظر حجم و چه از نظر رشته‌های تخصصی مورد نیاز نامعلوم باشد. همچنین عرضه نیروی انسانی متخصص، مستقل از تقاضا شکل بگیرد و هیچگونه سازوکاری برای ملحوظ داشتن سطح و کیفیت تقاضا و تغییرات آن در طول زمان، در عرضه نیروی انسانی متخصص ایجاد نشود.

نگاهی بر آمار موجود و تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از یک سو و خروج سالیانه هزاران فارغ‌التحصیل از سوی دیگر، اهمیت توجه به ارتباط میان آموزش عالی و وضعیت اشتغال و بازار کار فارغ‌التحصیلان را بیشتر می‌کند. جدیدترین آمار مربوط به شاخص

جدول ۱. سهم اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

زن		مرد		کل کشور			شاخص‌های نیروی کار
بهار ۱۴۰۲	بهار ۱۴۰۳	بهار ۱۴۰۲	بهار ۱۴۰۳	تغییرات	بهار ۱۴۰۲	بهار ۱۴۰۳	
۶۹,۸	۶۸,۴	۲۷,۷	۳۰,۲	۲,۲	۴۰,۸	۴۳	سهم جمعیت بیکار ۱۵ ساله و بیشتر فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران
۴۵,۷	۴۸,۱	۲۲,۹	۲۳,۷	۱,۱	۲۶,۵	۲۷,۶	سهم جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیشتر فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران

چشم‌انداز شغلی فارغ‌التحصیلان دارد [۱۵]. رشته‌های علوم انسانی و به ویژه علوم اجتماعی از جمله رشته‌های دانشگاهی هستند که به طور مستقیم با شغل خاصی مرتبط نیستند و اغلب فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها باید برای یافتن شغل، مهارت‌های کاربردی ای را که در حین تحصیل کسب نکرده‌اند، به طور جداگانه یاد بگیرند. همچنین با افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان در این رشته‌ها و کمبود فرصت‌های شغلی، رقابت برای یافتن موقعیت‌های شغلی در این زمینه‌ها بسیار شدید شده است. بنابراین، مقاله حاضر با توجه به دغدغه مطرح شده، در پی بررسی وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه با تأکید بر ارتباط دانشگاه با صنعت است و سعی دارد تا به این سؤال مهم پاسخ دهد که: وضعیت کاریابی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی چگونه است؟ و آنها با چه مشکلات و چالش‌هایی در مسیر یافتن شغل مواجه بوده‌اند؟

بنابر آمارهای فوق و میزان اهمیتی که مسئله اشتغال و توانمندی‌های شغلی فارغ‌التحصیلان دارد تا بدانجاست که می‌توان آن را هم‌تراز با تهدیدهای امنیتی و در تقابل با توسعه ملی کشور دانست. به همین جهت لازم است مراکز آموزش عالی ضمن ارائه آموزش‌های علمی و عملی نسبت به وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان خود دغدغه مند باشند و بر اساس بررسی‌های علمی، پیرامون وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان و نقاط قوت و ضعف آموزش‌های ارائه شده در مراکز دانشگاهی و نسبتی که این محتواهای درسی با بازار کار دارد، حساس باشند. زیرا که عرضه نیروی بی کیفیت از منظر دانش و سواد کاربردی، نه تنها نمی‌تواند تقاضای بازار کار را رفع کند، بلکه حاصلی جز هدررفت منابع و ناامیدی قشر جوان نخواهد داشت. تحقیقات نیز نشان می‌دهند کیفیت آموزش و همکاری مؤثر میان دانشگاه و صنعت نقش کلیدی در بهبود

۲- ملاحظات نظری

در این بخش به منظور داشتن یک راهنمای نظری برای تنظیم و طراحی پرسشنامه سعی شد به پژوهش‌های اخیر جهانی توجه شود و مهمترین مشکلات فارغ‌التحصیلان در یافتن شغل در ادبیات جهانی جمع‌آوری گردد. تحقیقات متعددی در سراسر جهان به بررسی مشکلات فارغ‌التحصیلان دانشگاه در یافتن شغل پرداخته‌اند. طبق گزارش سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (۲۰۱۶) با عنوان "آموزش در یک نگاه"^۱، مهم‌ترین مشکل فارغ‌التحصیلان در عدم تطابق مهارت‌های آنها با نیازهای بازار کار بوده است. بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها مهارت‌های لازم برای مشاغل مورد نیاز بازار کار را ندارند، یا به عبارتی دیگر، مهارت‌های آموزشی آنها با نیازهای شغلی همخوانی ندارد. این مشکل باعث می‌شود که فارغ‌التحصیلان نتوانند شغل‌های مناسب با تخصص خود پیدا کنند. در گزارش کمیسیون اروپا "از دانشگاه تا استخدام در بالکان غربی، گفته شده که کارفرمایان معتقدند فقط نیمی از کارمندان با مدرک دانشگاهی در مقایسه با افراد فاقد مدرک دانشگاهی، ارزش بیشتری به سازمان‌شان اضافه کرده‌اند. در گزارش دیگری از کمیسیون اروپا با عنوان "اشتغال پذیری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی: دیدگاه کارفرمایان" توسط هامبورگ و همکاران (۲۰۱۳) با اشاره به بازار کار اتحادیه اروپا، اشتغال پذیری دانشجویان فارغ‌التحصیل بر اساس دیدگاه کارفرمایان همانطور که اخیراً به وضوح بیان می‌کند، مهارت‌های بین فردی، مانند مهارت‌های ارتباطی و کار گروهی، بیش از پیش مهم تلقی می‌شوند. در واقع، طبق همین گزارش، مهارت‌های بین فردی به همان اندازه با ارزش مهارت‌های حرفه‌ای هستند. کارمندانی که مهارت‌های بین فردی کمتر از حد متوسط دارند، حتی اگر پیشرفت تحصیلی بالایی داشته باشند یا به مرتب‌ترین رشته تحصیلی تعلق داشته باشند، کمتر ترجیح داده می‌شوند. این امر با این واقعیت توجیه می‌شود که فقدان مهارت‌های بین فردی می‌تواند بر کار گروهی تأثیر منفی بگذارد و در نتیجه دستیابی به اهداف سازمانی را تضعیف کند.

سازمان بین‌المللی کار نیز در گزارشی با عنوان "روندهای جهانی اشتغال برای جوانان ۲۰۲۰: فناوری و آینده مشاغل"^۲، با اشاره به تغییرات سریع تکنولوژیکی و چالش‌های اقتصادی جهانی که به تغییر بازار کار سرعت بخشیده، بیان داشتند که فارغ‌التحصیلان اغلب نمی‌توانند به سرعت با این تغییرات همگام شوند و مهارت‌های لازم برای مشاغل جدید را کسب کنند. به زعم پنتو و رامالهییرا، عملکرد تحصیلی بالا، هنگامی که با مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه ترکیب می‌شود، تأثیر مثبتی بر اشتغال‌پذیری دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی دارد. شرکت در دوره‌های کارآموزی قبل از فارغ‌التحصیلی به عنوان یک عامل موثر بر شانس دانشجویان برای یافتن شغلی متناسب پس از فارغ‌التحصیلی شناخته شده است. تعریف دقیقی از میزان واحدهای لازم برای کارآموزی وجود ندارد. با این حال، استوارت^۳، معتقد است که کارآموزی می‌تواند نوعی یادگیری مبتنی بر کار باشد و دوره‌های کارآموزی را می‌توان به عنوان بخشی از برنامه‌های درسی و تحصیلی به دانشجویان ارائه داد. نونلی و همکاران نیز در تحقیقات‌شان به رابطه قوی بین دوره‌های کارآموزی و احتمال کارایی دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی اشاره کرده‌اند. آنها نقش دوره‌های کارآموزی و نوع رشته دانشگاهی را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که شرکت در یک دوره کارآموزی، فرصت‌های دانشجویان را برای دریافت فرصت‌هایی برای مصاحبه شغلی افزایش می‌دهد.

کراجا و بوریچی^۴، با بررسی نقش مهارت‌های سخت و نرم بر قابلیت اشتغال فارغ‌التحصیلان آلبانیایی، دریافتند که داشتن هر دو مهارت، سخت و نرم، برای افزایش قابلیت اشتغال فارغ‌التحصیلان بسیار مهم است. با این وجود، مهارت‌های نرم مانند ارتباط اجتماعی، توانایی حل مسئله، انجام کار تیمی، مهارت‌های خود مدیریتی و اعتماد به نفس، و توانایی کار تحت فشار و ضرب‌الاجل‌های تعیین شده تأثیر مثبت بیشتری بر اشتغال‌پذیری دارند. ریچی و همکاران^۵، نیز به انتظارات بالای فارغ‌التحصیلان

2. Global Employment Trends for Youth 2020: Technology and the future of jobs

3. Stewart

4. Kraja & Borici

5. Ritchie et al.

1. Education at a Glance

در گزارش ۲۰۱۸ مجمع جهانی اقتصاد با عنوان **"آینده مشاغل"** نیز علاوه بر مهارت‌های فنی، نیاز به مهارت‌های نرم مانند ارتباطات، حل مسئله و توانایی کار در تیم‌ها بسیار مهم تلقی شده است و به این مهم اشاره شده که بسیاری از فارغ‌التحصیلان این مهارت‌ها را در طول دوره تحصیل کسب نمی‌کنند و این امر مانع از یافتن شغل مناسب برای آن‌ها می‌شود [۲۶].^۴

همچنین در گزارش انجمن ملی [۱۳]^۵ با عنوان **"چشم‌انداز شغلی"**، نداشتن تجربه کافی به عنوان مهمترین مشکل بیان شده است. کارفرمایان اغلب به دنبال فارغ‌التحصیلانی هستند که علاوه بر تحصیلات آکادمیک، تجربه کاری مرتبط نیز داشته باشند. عدم تجربه کافی در دوره‌های کارآموزی و فعالیت‌های عملی، یکی از مشکلات عمده‌ای است که فارغ‌التحصیلان در یافتن شغل با آن مواجه می‌شوند [۱۳].

بررسی این تحقیقات نشان می‌دهد که مهم‌ترین مشکل فارغ‌التحصیلان در یافتن شغل، عدم تطابق مهارت‌ها و فاصله بین آموزش و نیازهای بازار کار است. نظام‌های آموزشی باید به روزرسانی شوند تا بتوانند به طور موثرتر مهارت‌های مورد نیاز بازار کار را به دانشجویان منتقل کنند و پل مناسبی بین دانشگاه و صنعت ایجاد نمایند. عوامل مختلفی بر توانایی فارغ‌التحصیلان برای یافتن شغل پس از فارغ‌التحصیلی اثر می‌گذارد. این عوامل را می‌توان به دو گروه شامل عوامل حمایت‌کننده اشتغال فارغ‌التحصیلان و عوامل بازدارنده این فرآیند تقسیم کرد. از عواملی که موجب افزایش شانس اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می‌شود، می‌توان به مواردی چون: برتری یا پیشرفت تحصیلی، شرکت در دوره‌های کارآموزی، داشتن مهارت‌ها، داشتن مشاغل خانوادگی اشاره کرد.

۳- پیشینه تحقیق

در تحقیقات داخلی و خارجی متعدد، به چالش‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در یافتن شغل، توجه شده که در ادامه چند مورد از آنها مرور می‌شوند:

دانشگاهی از شغل آینده شان اشاره داشتند و در تحقیقاتشان نشان دادند که انتظارات دانشجویان بازرگانی در مقطع کارشناسی در مورد فرصت‌های شغلی، وضعیت شغل بالقوه آنها و همچنین میزان دستمزد، بسیار بالاتر از آن چیزی است که در نیروی کار ارائه می‌شود. آنها به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان به طور کلی نسبت به دستمزدشان در شغل آینده و آینده شغلی خود بسیار خوش بین هستند. همچنین به زعم آنها، فارغ‌التحصیلان ممتاز و با معدل بالا، احتمالاً انتظار دستمزد بالایی دارند. بر اساس، آنها پیشنهاد کردند که دانشگاه‌ها باید سمینارهایی برگزار کنند یا برنامه‌هایی را برای اطلاع‌رسانی به دانشجویان در مورد واقعیت فرصت‌های شغلی و دستمزدها ارائه دهند. آنها بر نقش خدمات برنامه‌ریزی شغلی، دوره‌های کارآموزی یا سایر برنامه‌های افزایش اشتغال که توسط دانشگاه‌ها اجرا می‌شوند، به عنوان ابزاری مفید تأکید دارند.

همچنین داشتن یک کسب و کار خانوادگی می‌تواند فرصت منحصر به فرد برای برخی از دانشجویان فراهم آورد و به احتمال زیاد آنها می‌توانند در کسب و کار خانواده مشغول به کار شوند. بنابراین احتمال بیکار ماندن آنها، کمتر است. کار و سکویا، وزلوگو و همکاران^۱، بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، نقش پیشینه کسب و کار خانوادگی بر قصد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در جستجوی کار را بررسی کردند. وانگ و وانگ^۲، نیز اولین نویسندگانی بودند که علاقه کارآفرینی را در میان دانشجویان آسیایی بررسی کردند و دریافتند که دانشجویان آسیایی علاقه زیادی به دنبال کردن یک حرفه کارآفرینانه دارند. علاوه بر این، تجربه خانواده‌های آنها با کسب‌وکار و سطح تحصیلات دانش‌آموزان در تعیین نگرش مثبت آنها نسبت به کارآفرینی بسیار مهم بود. [۱۲]^۳، با مطالعه فرصت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان در بازار کار لهستان، به این نتیجه رسیدند که تجربه کار قبلی به طور قابل توجهی بر اشتغال دانشجویان در ماه‌های اول پس از فارغ‌التحصیلی تأثیر می‌گذارد.

4. World Economic Forum

5. NACE (National Association of Colleges and Employers)

6. Job Outlook

1. Zellweger et al.

2. WANG & WONG

3. JASINSKI et al.



که اگرچه دسترسی به تحصیلات عالی افزایش یافته، اما بازار کار نتوانسته ظرفیت لازم برای جذب این افراد را فراهم کند. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که آموزش‌های حرفه‌ای و مهارتی در کنار تحصیلات دانشگاهی باید تقویت شوند [۱۶].^۳

در پایان‌نامه یاراحمدی با عنوان "شناسایی و اولویت‌بندی چالش‌های بکارگیری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های لرستان در صنایع استان (با دیدگاه صنعت گران و کارآفرینان)" با مطالعه مبانی تجربی و نظری موضوع، پنج مؤلفه و ۵۸ زیر مؤلفه اثرگذار، مرتبط با موضوع حاضر شناسایی شد که عبارت‌اند از: عوامل مرتبط با سازمان‌های ذی‌ربط با اشتغال (عدم هماهنگی بین فرصت‌های شغلی، عدم وجود بانک اطلاعاتی از وضعیت فارغ‌التحصیلان و ...)، عوامل مرتبط با محیط اقتصادی و فرهنگی (ضعف در فرهنگ کاریابی، توسعه نیافتن کمی و کیفی و ...)، عوامل مرتبط با ساختار آموزش عالی (نبود بستر مناسب برای آموزش، ناکارآمدی اعضای هیئت علمی و ...)، عوامل مرتبط با فارغ‌التحصیل (خودشناسی شغلی، تعداد زیاد متقاضیان و ...) و همچنین عوامل مرتبط با کارفرما (تجربه‌های کاری با کیفیت، آموزش دادن کارآفرینی و ...) که طبق نتایج بدست آمده به ترتیب بیشترین تا کمترین اهمیت را در چالش‌های بکارگیری فارغ‌التحصیلان دارند.

در پایان‌نامه حسینی با عنوان "چالش‌های اشتغال و کارآفرینی فارغ‌التحصیلان برق استان قزوین"، نیز با هدف کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی سعی شده تا مشکلات فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شناسایی شود. جامعه آماری پژوهش شامل فارغ‌التحصیلان برق، اساتید، کارآفرینان، اساتید و صاحب نظران در حوزه کارآفرینی و اشتغال و کارآفرینان بالقوه و مخترعین استان قزوین است. با توجه به نتایج، چالش‌هایی همچون پذیرش زیاد دانشجوی، ورود آن‌ها به بازار کار و فرصت شغلی کم، عدم هماهنگی دروس تدریس شده در دانشگاه با نیاز بازار کار و صنعت، نداشتن سرمایه و نبود پشتوانه مالی و قوانین زیاد و طاقت فرسا برای شروع کسب و کار و راهکارهای توسعه‌ای مانند افزایش بیشتر مهارت‌آموزی و الزام به شرکت در آن‌ها،

مقاله‌ای با عنوان "فرهنگ کیفیت، همکاری دانشگاه و صنعت، و اشتغال‌پذیری درک شده در بین دانشجویان حرفه‌ای در چین" (۲۰۲۴)، به بررسی بحران بیکاری فارغ‌التحصیلان در چین در سال ۲۰۲۳ می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که نرخ بیکاری جوانان در این کشور به بیش از ۲۱ درصد رسیده است. علت اصلی این بحران، افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان بدون افزایش هم‌زمان فرصت‌های شغلی است. نویسندگان به اهمیت بازنگری در سیاست‌های آموزشی و توسعه برنامه‌های اشتغال‌زایی تاکید می‌کنند [۲۰].^۱

"دانشگاه و صنعت و نقش آن در اشتغال‌پذیری دانشجویان"، عنوان مقاله دیگری است که به بررسی تاثیر همکاری دانشگاه‌ها با صنایع بر افزایش اشتغال‌پذیری دانشجویان در چین می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که کیفیت آموزش و همکاری میان دانشگاه و صنعت نقش مهمی در فرایند اشتغال‌یابی فارغ‌التحصیلان دارد و توصیه می‌کند که سیاست‌گذاران آموزشی بر بهبود فرهنگ کیفیت آموزشی و افزایش تعاملات دانشگاه‌ها با صنایع تمرکز کنند [۱۵].

"کاریابی و اشتغال فارغ‌التحصیلان: مروری بر سیاست‌ها، اقدامات و مفاهیم" (۲۰۱۲)، عنوان مقاله‌ای است که به بررسی سیاست‌های دولتی و دانشگاهی در جهت بهبود اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان می‌پردازد و نشان می‌دهد که بسیاری از برنامه‌های آموزشی نتوانسته‌اند با نیازهای بازار کار همگام شوند. نویسندگان تأکید می‌کنند که توسعه مهارت‌های فراتر از دانش تئوریک می‌تواند به بهبود اشتغال‌پذیری کمک کند. این مقاله بر شکاف میان آموزش دانشگاهی و مهارت‌های مورد نیاز بازار کار تمرکز دارد و پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری بهتر ارائه می‌دهد [۲۴].^۲

مقاله‌ای با عنوان "گسترش آموزش عالی و بیکاری فارغ‌التحصیلان در اروپا: مطالعه مقایسه‌ای" (۲۰۱۰)، به بررسی بیکاری فارغ‌التحصیلان در کشورهای اروپایی پرداخته و رابطه بین گسترش آموزش عالی و افزایش بیکاری در این قشر را تحلیل می‌کند. نتایج نشان می‌دهد

3. Imanol Núñez & Ilias Livanos

1. Li et al.
2. Michael Tomlinson

یک جمعیت یا یک جامعه، تعریف شرایط موجود در یک جامعه یا منطقه، مستندسازی نظرات جامعه، مقایسه گروهی از جوامع بکار می رود. چندین روش مختلف برای انجام یک پیمایش وجود دارد. اما رویکرد رایج، پیمایش از نوع مقطعی است که در آن اطلاعات برای یک نمونه در یک نقطه از زمان جمع‌آوری می‌شود. داده‌ها جمع‌آوری شده ممکن است از مجموعه‌ای از جمعیت یا کل جمعیت باشد [۹]. مقاله حاضر در قالب چند فاز مطالعاتی پیش رفته است. در فاز اول، پس از مروری بر پیشینه تحقیقات مرتبط و مبانی نظری، پرسشنامه محقق ساخته به دست آمد و به صورت آنلاین به فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم اجتماعی در بازه ده ساله اخیر از ۱۳۹۱ تا انتهای ۱۴۰۱ ارائه گردید. جامعه آماری این تحقیق شامل ۲۰۸۸ نفر بود و نمونه آماری که در تحقیق شرکت کردند شامل ۲۶۸ نفر بود. علی‌رغم آگاهی محقق از مزایای نمونه‌گیری تصادفی و اعتبار آن، با توجه به محدودیت زمانی، محدودیت نیروی انسانی و محدودیت در بودجه مالی، در این تحقیق از پرسشنامه آنلاین در فضای پلتفرم پرسال استفاده شد. بنابراین مشارکت پاسخگویان در این تحقیق کاملاً مبتنی بر تمایل فردی شان بوده و نمونه‌گیری در آن از نوع غیرتصادفی و دردسترس بود. در این بخش پس از ارسال پرسشنامه به شیوه آنلاین در سه نوبت و ارسال پیامک‌های حجمی به بانک شماره‌های موجود از فارغ‌التحصیلان، در نهایت فقط ۲۶۸ نفر معادل با ۱۳ درصد از جامعه آماری در تحقیق شرکت کردند. سپس تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS انجام شد و تحلیل‌های توصیفی از وضعیت متغیرها ارائه گردید. در بخش دوم به تحلیل سؤالات باز در پرسشنامه پرداختیم و با توجه به جواب‌های طولانی پاسخگویان ابتدا پاسخ‌ها کدگذاری و سپس در قالب یک نمودار از مقولات اصلی، فرعی و مفاهیم طبقه‌بندی شد.

۵- یافته‌های توصیفی

بیشترین تعداد از پاسخگویان با درصد فراوانی ۱۸ درصد متولد سال ۱۳۵۸-۱۳۶۳ و کمترین متعلق به سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۴۵ با درصد فراوانی ۰,۳٪ بوده‌اند. بیشتر پاسخگویان زنان با ۶۴,۵ درصد بوده‌اند و مشارکت مردان

پذیرش و آموزش دانشجویان به اندازه و ارائه بیشتر درس‌های پروژه محور و تغییر پایان‌نامه‌های دانشجویی از تئوری به عملی و مطابق با نیاز صنعت حاصل گردید که وجود چالش در اشتغال و کارآفرینی فارغ‌التحصیلان برق استان قزوین را تایید و در ادامه به اعلام نتایج بیشتر و اولویت‌بندی چالش‌ها و راهکارهای توسعه پرداخته شد. در نهایت پیشنهادات کاربردی جهت توسعه اشتغال و کارآفرینی فارغ‌التحصیلان برق استان قزوین ارائه گردید. در مقاله‌ای با عنوان "راهکاری مؤثر برای رابطه دوسویه میان دانشگاه و صنعت و افزایش مهارت فارغ‌التحصیلان" توسط حمزه نوذری بر ارتباط میان دو نهاد دانشگاه و صنعت تأکید شده و در این میان طراحی و راه‌اندازی مراکزی واسط بین این دو نهاد مهم جامعه پیشنهاد شده است. مرکز اطلاعات، مشاوره و کاربایی دانشجویی که نقش مهمی در برقراری ارتباط مؤثر بین دو نهاد دانشگاه و صنعت ایفا می‌کند. این مقاله با بهره‌گیری از نظریه جستجو و روش اسنادی به چگونگی و شرح خدمات این مرکز می‌پردازد.

تبادل اطلاعات میان دانشگاه و صنعت، مشاوره و کاربایی، دریافت نیازهای صنعت در حوزه نیروی انسانی، کمک به برگزاری دوره‌های کارآموزی بخشی از وظایف این مرکز است. مقاله دیگر با عنوان سید نقوی و همکارانش به "شناسایی علل ارتباط ضعیف دانشگاه با صنعت و ارائه راهکاری برای بهبود این رابطه" (۱۳۹۸) پرداخته است. روش انجام کار، بر اساس پارادایم تفسیری و روش کیفی، و مصاحبه با ۱۸ نفر از اساتید هیئت علمی شهر تهران بوده است. یافته‌های پژوهش شامل سه علت و سه راهکار اصلی می‌شود. سه علت اصلی این ارتباط ضعیف، دانشکده‌های تک بعدی، صنعت سطحی نگر و دولت غافل از بسترسازی است. راهکارها به صورت نظیر به نظیر با علت‌ها مطرح شد که صنعت محور کردن دانش، دانش‌بنیان کردن صنعت و بسترسازی قانونی دولت را شامل می‌شود

۴- روش‌شناسی

رویکرد تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد ترکیبی است. در بخش کمی از روش تحقیق پیمایش استفاده شد که روشی برای بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه از طریق گردآوری داده است. این روش، یکی از رایج‌ترین اشکال روش‌های تحقیق است که معمولاً برای تعیین ویژگی‌های

1. Michael Tomlinson

در این بخش با در نظر گرفتن دو متغیر نوع شغل و استان، تلاش شده تا میزان دسترسی به مشاغل و تنوع وضعیت شغلی نشان داده شود. همانطور که در نمودار زیر نیز مشخص است، استان تهران با ۲۱ درصد شاغلین را شامل می‌شود که دارای اشتغال دائمی و تمام وقت هستند. استان‌های خراسان، کرمانشاه و همدان در رتبه‌های بعدی اما با تفاوت مشخص و معناداری قرار دارند. سایر استان‌ها بین ۱ تا ۴ درصد شاغلین با وضعیت شغلی تمام وقت و دائمی را در خود جای داده‌اند. همچنین استان تهران با ۳۷ درصد، بیشترین جمعیت بیکار و در جستجوی کار را از میان پاسخگویان در خود دارد. همچنین استان‌های خوزستان، اصفهان، آذربایجان غربی و شرقی در رتبه‌های بعدی اما با تفاوت مشخص و معناداری قرار دارند. سایر استان‌ها بین ۱ تا ۴ درصد فارغ‌التحصیلان فاقد شغل را در خود دارند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که فارغ‌التحصیلان دارای مشاغل آزاد و پاره وقت کمتر از مشاغل دائم و تمام وقت بودند و همانطور که در نمودار زیر مشخص است، استان خراسان با ۳۹ درصد، بیشترین جمعیت فارغ‌التحصیل و شاغل در مشاغل آزاد و یا پاره وقت را دارا می‌باشد. همچنین استان‌های لرستان، فارس، آذربایجان غربی و شرقی، کردستان و کرمانشاه در رتبه‌های بعدی اما با تفاوت مشخص و معناداری از خراسان قرار دارند. سایر استان‌ها تا ۴ درصد فارغ‌التحصیلان دارای مشاغل آزاد یا پاره وقت را دارد. هیچکدام از فارغ‌التحصیلان در مشاغل آزاد یا مشاغل پاره وقت از استان تهران نبوده‌اند.

پاسخگویان در مورد مدت زمانی که پس از فارغ‌التحصیلی به دنبال کار بوده‌اند، اطلاعاتی ارائه داده‌اند و پاسخ‌ها نشان می‌دهد که تقریباً ۳۱ درصد از پاسخگویان کمتر از یکسال، ۵۱ درصد کمتر از ۲ سال و ۶۸ درصد کمتر از ۳ سال به دنبال کار بوده‌اند تا شغل فعلی را پیدا کرده‌اند. تقریباً ۳۲ درصد از پاسخگویان هنوز هم به دنبال کار هستند. از نظر وضعیت بیمه نیز ۶۷ درصد از پاسخگویان دارای بیمه و ۳۳ درصد فاقد بیمه بوده‌اند. از نظر وضعیت سابقه کار هم یافته‌ها نشان می‌دهد که از میان ۱۸۳ نفر شاغل در این تحقیق، نزدیک به ۳۰ درصد دارای سابقه کار کمتر از دو سال هستند، ۲۰ درصد بین دو تا چهار سال، ۱۵ درصد بین دو تا چهار سال و تقریباً ۳۴ درصد سابقه کاری بیشتر از شش سال دارند. در مورد وضعیت درآمدی

در این پیمایش کمتر از ۴۰ درصد و معادل با ۳۵,۵ درصد بوده است. همچنین اکثر آنها یعنی معادل با ۶۰ درصد متأهل و بقیه حدود ۴۰ درصد مجرد بوده‌اند. بیشترین تعداد پاسخگویان در این تحقیق با فراوانی ۹۴ نفر و معادل تقریباً ۳۵ درصد ساکن استان تهران و کمترین تعداد با فراوانی ۱ نفر ساکن استان‌های بوشهر، یزد و کشور عراق می‌باشند. در گروه مردان از مجموع پاسخ‌ها، ۶۷ درصد سربازی رفته و کارت پایان خدمت را دریافت کرده‌اند و ۳۳ درصد به دلایلی متعدد، از معافیت دائم برخوردارند.

در مجموع ۶۸,۳ درصد از فارغ‌التحصیلان پاسخگو در این تحقیق شاغل هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان یعنی معادل با ۳۵,۱ درصد از آنها دارای شغل دائم دولتی و کمترین تعداد معادل با ۶,۳ درصد خود اشتغال هستند. همچنین ۳۱ درصد هم بیکار و فاقد تمایل به کار یا در جستجوی کار می‌باشند. همچنین ۲۵,۷ درصد از پاسخگویان، حتی در زمان تحصیل هم شغل فعلی را داشته‌اند. ۴۳,۶۷ درصد هم شغل فعلی‌شان را پس از فارغ‌التحصیلی یافته‌اند. اما از میان پاسخگویان، ۳۰,۶ درصد در پاسخ به این سؤال که: "آیا شغلی فعلی را بعد از فارغ‌التحصیلی به دست آورده‌اید؟" پاسخ منفی داده‌اند.

در این بخش براساس متغیر جنسیت و وضعیت شغلی، فارغ‌التحصیلان مورد بررسی قرار گرفتند و مشخص شد که در گروه مردان، بیشترین درصد فراوانی را شاغلین در مشاغل دائمی دولتی و تمام وقت معادل با ۶۷ درصد و کمترین درصد را مردان خوداشتغال با ۵ درصد فراوانی به خود اختصاص می‌دهند. در گروه زنان فارغ‌التحصیل، بیشترین درصد از فارغ‌التحصیلان زن، بیکار و در جستجوی کار بوده (۳۷ درصد)، و فقط ۲۶ درصد از زنان پاسخگو، دارای شغل دائمی و تمام وقت هستند. کمترین درصد معادل با ۶ درصد نیز زنان فارغ‌التحصیل خود اشتغال می‌باشند. بنابراین یافته‌ها، نشان دهنده تعداد کمتر زنان فارغ‌التحصیل و شاغل نسبت به مردان در وضعیت‌های مختلف شغلی است به طوری که در مجموع ۸۴ درصد از پاسخگویان نوعی وضعیت شغلی را داشته و بیکار یا در جستجوی کار نبودند. اما این شاخص برای گروه زنان، معادل با ۶۳ درصد است. همچنین فارغ‌التحصیلان زن در حدود ۳ برابر بیشتر از گروه مردان، بیکار یا در جستجوی کار می‌باشند.

دانشگاه را تا حدودی مؤثر می‌دانستند معادل با ۹۰ درصد می‌باشد.

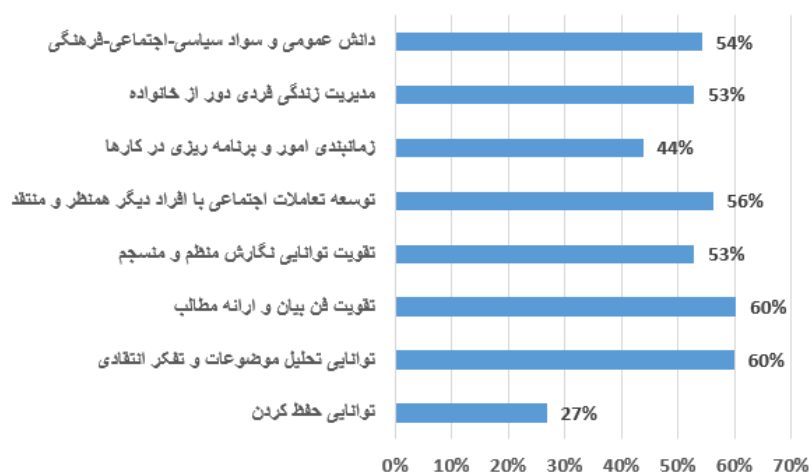
تقریباً ۶۰ درصد از پاسخگویان به میزان زیاد و خیلی زیاد معتقدند که فن بیان آنها در طول تحصیل تقویت شده، و بیش از ۵۲ درصد معتقدند که دوران تحصیل دانشگاهی به آنها کمک کرده که مهارت نگارش به صورت منظم و منسجم در آنها در سطح زیاد و خیلی زیاد در آنها تقویت شود. نزدیک به ۵۶ درصد از پاسخگویان به میزان زیاد و خیلی زیاد و ۳۵ درصد به میزان متوسط و در مجموع نزدیک به ۹۰ درصد معتقدند که تحصیل دانشگاهی به آنها در تقویت تعاملات اجتماعی شان کمک کرده است. همچنین بالغ بر ۴۳ درصد از پاسخگویان به میزان زیاد و خیلی زیاد و ۴۱ درصد به میزان متوسط و در مجموع نزدیک به ۸۵ درصد معتقدند که تحصیل دانشگاهی به آنها کمک کرده که زمانبندی و برنامه‌ریزی بهتری در امور داشته باشند. نزدیک به ۵۳ درصد از پاسخگویان به میزان زیاد و خیلی زیاد و ۲۶ درصد به میزان متوسط و در مجموع نزدیک به ۸۰ درصد معتقدند که تحصیل دانشگاهی به آنها کمک کرده تا بتوانند زندگی دور از خانواده را مدیریت کنند. نزدیک به ۵۴ درصد از پاسخگویان به میزان زیاد و خیلی زیاد و ۳۰ درصد به میزان متوسط و در مجموع نزدیک به ۸۵ درصد معتقدند که تحصیل دانشگاهی موجب تقویت دانش عمومی و سواد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنها شده است.

شاغلین مورد بررسی می‌توان گفت که در حدود ۳۷ درصد بیش از ۱۰ میلیون تومان و تقریباً ۲۲ درصد بین ۸ تا ۱۰ میلیون تومان در ماه درآمد دارند. در مجموع ۳۳،۷۳ درصد از پاسخگویان کمتر از چهار میلیون تومان در ماه درآمد دارند. بیشترین تعداد فارغ‌التحصیلان مربوط به مقطع کارشناسی ارشد با ۸۱،۷ درصد و کمترین تعداد از مقطع کارشناسی با ۷،۱ درصد هستند.

۶- یافته‌های تحلیلی

مهارت‌های فردی تقویت شده در طول تحصیل و مؤثر در کاربایی

در این بخش، یافته‌های پیرامون رابطه میان مهارت‌های آموزش داده شده در دانشگاه و در دوران تحصیل با میزان اثرگذاری آن بر فرایند کاربایی فارغ‌التحصیلان مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد مهارت‌هایی چون: فن بیان و ارائه مطالب، تحلیل موضوعات و تفکر انتقادی، و توانایی توسعه تعاملات اجتماعی در سه اولویت اول هستند و از نظر پاسخگویان بیشتر در دوران تحصیل تقویت شده‌اند. همچنین توانایی و مهارت حفظ کردن از نظر پاسخگویان چندان در زمان تحصیل تقویت نشده است. بیشترین تعداد پاسخگویان در مهارت حفظ کردن، خود را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند (۳۷ درصد) و فقط نزدیک به ۲۷ درصد خود را دارای حافظه قوی و خیلی قوی می‌دانند. از نظر بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان، توانایی آنها در تحلیل موضوعات و تفکر انتقادی در دوران تحصیل تقویت شده که با احتساب کسانی که



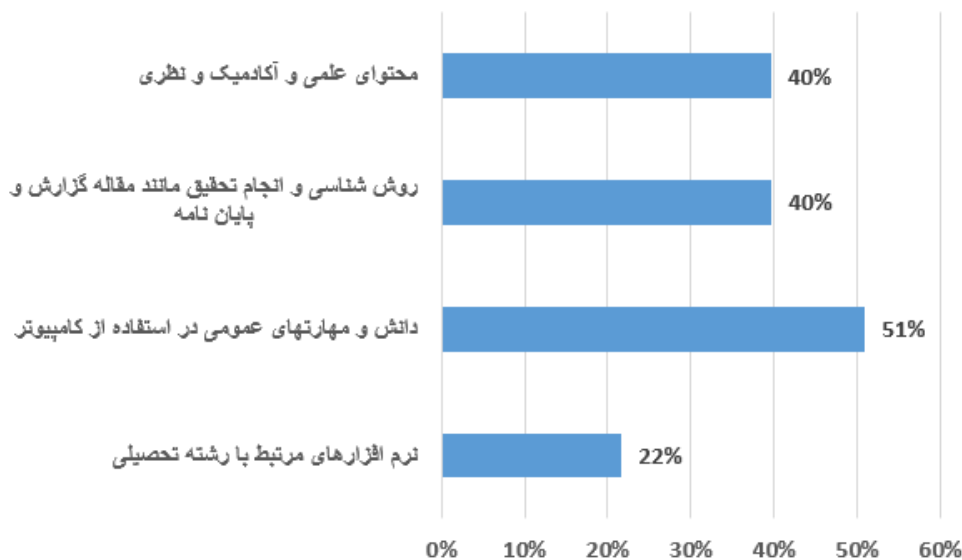
نمودار ۱. مقایسه درصد فراوانی پاسخگویان (با نظر زیاد و خیلی زیاد) براساس مهارت‌های فردی تقویت شده در دوران تحصیل دانشگاهی

درصد) بوده است. براساس جدول زیر، پاسخگویان (۲۱,۶۸ درصد) معتقد بودند که در دوران تحصیل نرم افزارهای مرتبط با رشته تحصیلی در آنها تقویت شده است که نسبت بسیار کمتری نسبت به سایر مهارتها بوده است. همچنین در این بخش مجموع نظرات پاسخگویان که معتقد بودند هر یک از مهارت‌های تخصصی در دوران دانشگاه به میزان زیاد و خیلی زیاد در آنها تقویت شده، با یکدیگر مقایسه شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴۰ درصد از پاسخگویان معتقدند که محتوای علمی آکادمیک و نظری و روش‌شناسی، ۵۱ درصد معتقدند دانش و مهارت‌های عمومی در کامپیوتر، و ۲۲ درصد معتقدند که نرم‌افزارهای تخصصی و مرتبط به رشته به آنها در سطح زیاد و خیلی زیاد ارائه شده است.

در مجموع می‌توان گفت که از نظر ۶۰ درصد از پاسخگویان مهارت‌های تقویت فن بیان و توانایی تحلیل موضوعات و تفکر انتقادی، به اندازه زیاد و خیلی زیاد در دانشگاه تقویت شده که از سایر مهارت‌های تقویت شده در دوران تحصیل پیشی گرفته است. همانطور که در نمودار زیر مشخص است، درصد فراوانی پاسخگویانی که به میزان زیاد و خیلی زیاد معتقد بودند هر یک از مهارت‌های فوق در آنها تقویت شده، با یکدیگر مقایسه شده است:

مهارت‌های تخصصی تقویت شده در طول تحصیل و مؤثر در کارایی

از نظر پاسخگویان اولین مهارت تخصصی که در دوران تحصیل دانشگاهی در آنها تقویت شده، دانش و مهارت‌های عمومی در استفاده از کامپیوتر (۵۰,۹۳)



نمودار ۲. درصد فراوانی پاسخگویان که معتقد به نقش دانشگاه در آموزش مهارت‌های تخصصی به میزان زیاد و خیلی زیاد

اثر دانشگاه را بر مهارت‌های تحقیقی خود متوسط می‌دانستند به عددی بالغ بر ۶۷ درصد می‌رسد. بالغ بر ۳۹ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که محتوای علمی و دانشگاهی در دوران تحصیل به اندازه زیاد و خیلی زیاد به آنها منتقل شده که با احتساب کسانی که اثر دانشگاه در انتقال مباحث علمی متوسط می‌دانستند به عددی بالغ بر ۷۳ درصد می‌رسد. همچنین ۶۸,۵۶ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که از مهارت‌های تخصصی در سایر حوزه‌های تخصصی برخوردارند و از منبعی غیر از دانشگاه آن را کسب کرده‌اند. حال آنکه

از نظر ۵۵ درصد از پاسخگویان مهارت‌های نرم‌افزاری مرتبط با رشته‌های علوم اجتماعی در دوران دانشگاه در حد کم و خیلی کم تقویت شده است. هرچند که ۵۲ درصد هم معتقد بودند آن بخشی از مهارت‌های کامپیوتری که در دوران تحصیل در آنها تقویت شده، به دانش و مهارت عمومی شان در کار با کامپیوتر مربوط است. نزدیک به ۴۰ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که روش تحقیق و مهارت انجام آن در دوران دانشگاه در حد زیاد و خیلی زیاد در آنها تقویت شده که با احتساب کسانی که

میزان زیاد و خیلی زیاد موجب دستیابی به شغل فعلی شان بوده است. ۲۹,۰۲ درصد از پاسخگویان نیز معتقدند که مهارت‌ها و محتوای آموزشی در دوران دانشگاه به میزان زیاد و خیلی زیاد به آنها در یافتن شغل کمک کرده است.

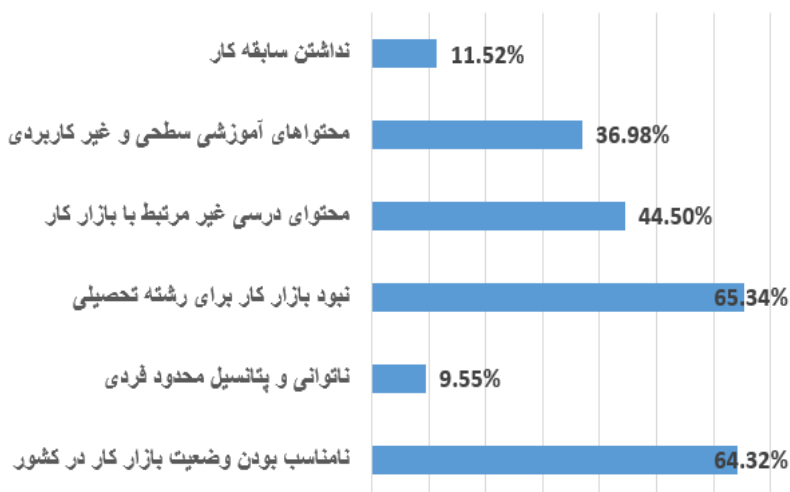
چالش‌های فارغ‌التحصیلان در یافتن شغل

۴۷ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که در یافتن شغل با مشکلات زیاد و خیلی زیادی مواجه بودند. پس از آن در قالب گویه‌هایی علت دشواری در یافتن شغل از پاسخگویان مورد پرسش قرار گرفت. ۶۴,۳۲ درصد از پاسخگویان دشواری در یافتن شغل پس از فارغ‌التحصیلی به میزان زیاد و خیلی زیاد ناشی از نامناسب بودن وضعیت بازار کار در کشور می‌دانستند. همچنین درصد کمی از آنها یعنی معادل با ۹,۵۵ درصد، ناتوانی در یافتن شغل را به دلایل فردی و توانایی‌های محدود خود نسبت دادند.

۳۱,۴۴ درصد از پاسخگویان مهارت‌های تخصصی دیگری خارج از حوزه تخصصی و تحصیلی خود ندارند.

مسیر کاریابی: توانمندی فردی یا شبکه روابط

در این بخش پیرامون مسیر کاریابی و یافتن شغل از پاسخگویان سؤال شد که آیا معتقدند شغل فعلی‌شان را به دلیل توانمندی‌های خود به دست آورده‌اند یا از مسیر غیررسمی و شبکه روابط آشنایان در دستیابی به آن استفاده کرده‌اند؟ همانطور که در نمودار زیر مشخص است فقط ۱۹,۳۶ درصد از پاسخگویان در یافتن شغل از روابط آشنایی کمک گرفتند و مسیر غیررسمی را در فرایند استخدام طی کرده‌اند. اما ۷۳,۴۱ درصد از پاسخگویان به دست آوردن شغل فعلی‌شان را ناشی از توانایی‌های فردی و طی کردن فرایندهای رسمی در استخدام می‌دانند. تخصص و مهارت نیز از نظر پاسخگویان در یافتن شغلی فعلی‌شان مؤثر بوده و ۴۵,۲۱ درصد از آنها معتقدند تخصص و مهارت‌های مرتبط با رشته تحصیلی‌شان به



نمودار ۳. درصد فراوانی پاسخگویان با پاسخ‌های زیاد و خیلی زیاد، از منظر علل دشواری در یافتن شغل

از ۵ درصد از آنها بیان کرده‌اند که به واسطه دانش و سواد تخصصی اندک مورد انتقاد از سوی کارفرمایان قرار گرفته‌اند. در مجموع می‌توان گفت که پاسخگویان از کیفیت نظام آموزشی در دانشگاه رضایت نداشته و ۵۵,۶۱ درصد از آنها به میزان زیاد و خیلی زیاد معتقد بودند که دانشگاه نتوانسته دانش و مهارت لازم برای بازار کار را به آنها ارائه دهد و حتی ۴۳,۶۹ درصد از آنها در سطح زیاد و خیلی زیاد معتقد بودند که دانشگاه نتوانسته دانش لازم و مورد نیاز سازمان‌ها و مؤسسات را به آنها ارائه دهد. از

۶۵,۳۴ درصد از پاسخگویان عدم یافتن شغل را به میزان زیاد و خیلی زیاد به نبود بازار کار برای رشته تحصیلی‌شان نسبت می‌دادند. ۴۴,۵ درصد از آنها (به میزان زیاد و خیلی زیاد) معتقد بودند که محتوای درسی در دانشگاه با نیاز بازار فاصله دارد و متناسب با آن نیست. ۳۶,۹۸ درصد از پاسخگویان به میزان زیاد و خیلی زیاد معتقد بودند که دلیل دشواری در یافتن شغل به کیفیت محتوای آموزشی مربوط است که عمیق و کاربردی نیست و در سطح مقدماتی به آنها تدریس می‌شود و کمتر

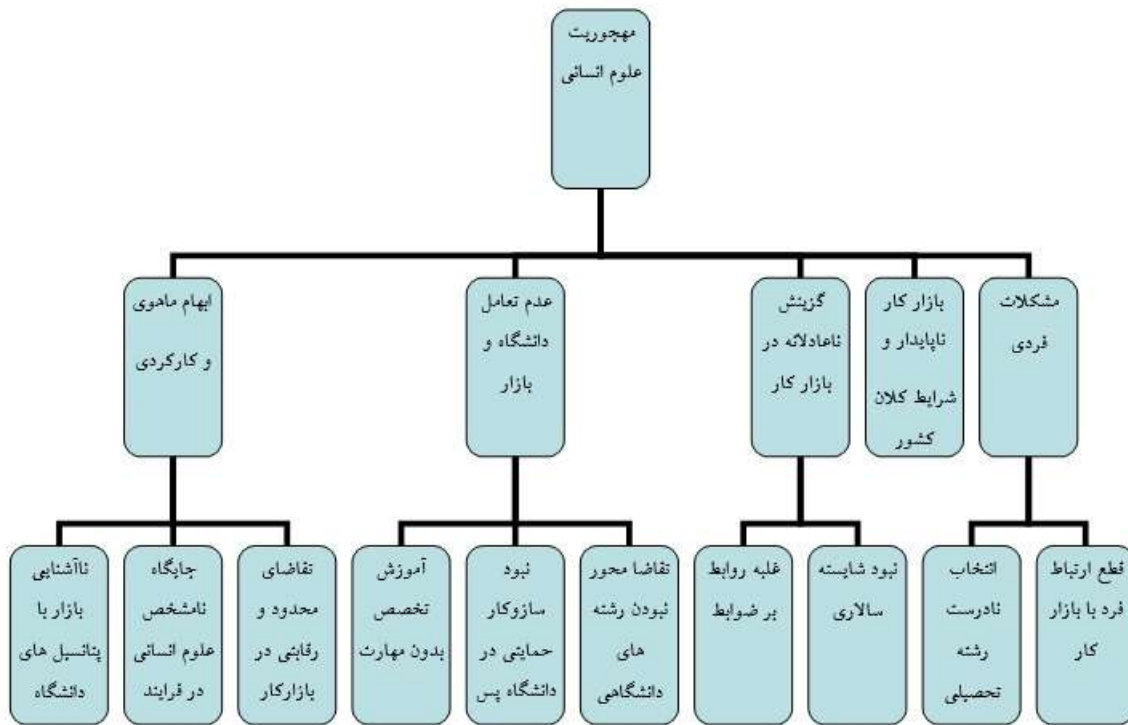


فردی کمترین مشکل آنها در فرایند یافتن شغل است (۹,۵۵٪).

شناسایی مهمترین مشکلات و اولویت-بندی آنها

در ذیل پرسشنامه، یک سؤال باز مربوط به "مهمترین چالشها و مشکلات در کارایی پس از فارغالتحصیلی" گنجانده شده بود. در تحلیل این سؤال و با کاربرد روش تحلیل مضمون و کدگذاری، در مجموع ۳۱ مفهوم استخراج گردید که در ذیل ۱۰ مقوله فرعی و ۵ مقوله اصلی قابل شناسایی است و در نمودار زیر آمده است:

منظر سابقه کار، فقط ۱۱,۵۲٪ از پاسخگویان معتقد بودند که نداشتن تجربه و سابقه کار دلیل دشواری در فرایند کارایی و یافتن شغل موجب مشکل برای آنها شده است. سپس مجموع پاسخهای زیاد و خیلی زیاد پاسخگویان به تک تک علل عدم یافتن شغل، با یکدیگر مقایسه شد و همانطور که در نمودار زیر مشخص است. مهمترین مشکل از نظر پاسخگویان به نبود بازار کار برای رشته تحصیلیشان معادل با ۶۵,۳۴٪ و سپس نامناسب بودن وضعیت بازار کار در کل کشور معادل با ۶۴,۳۲٪، باز می‌گردد. پاسخگویان معتقد بودند که عدم توانمندی



نمودار ۴: نمایی از مشکلات و چالشهای مطرح شده از سوی فارغ التحصیلان در یافتن شغل (یافته های تحقیق)

در جدول زیر، چگونگی استخراج مضامین اصلی از پاسخهای پاسخگویان که در قالب عبارات معنایی ارائه شده، آمده است:

جدول ۲. مشکلات و چالش های فارغ التحصیلان در راستای یافتن شغل (یافته های تحقیق)

مضمون اصلی	مضمون فرعی	مفاهیم
گزینه‌ها ناعادلانه در	نبود شایسته‌سالاری	کم توجهی به افراد دارای تخصص در گزینه‌های استخدامی تحصیلات پایین مدیران ارگانها (نداشتن تخصص مدیران) عدم توجه پژوهشگرها به افراد دارای توانایی بالا

بازار کار	عدم توجه به ظرفیت های افراد توانمند استخدام افراد غیر مرتبط در مشاغل
غلبه روابط بر ضوابط	نداشتن پارتی در سازمان های دولتی وجود مافیای شرکت های خصوصی در فرایند جذب نیرو و عدم فرصت کارایی در این شرکت ها اعمال انواع محدودیت ها و تبعیض سنی و جنسی، نداشتن سهمیه
عدم تعامل دانشگاه و بازار	عدم انطباق رشته تحصیلی با نیازمندی های روز شغلی عدم دسترسی مناسب به شغل مرتبط با رشته تحصیلی جدید بودن گرایش رشته تحصیلی و بازار کار نامناسب
تقاضا محور نبودن رشته های دانشگاهی	عدم حمایت دانشگاه و اساتید بعد از فارغ التحصیلی و کمک در یافتن شغل عدم توجه دانشگاه به اطلاع رسانی پیرامون رشته های تحصیلی خود و معرفی آنها بازار کار
نبود سازوکار حمایتی در دانشگاه پس از فارغ التحصیلی	عدم پذیرش فارغ التحصیلان فاقد سابقه کار در مؤسسات، شرکت ها و سازمانهای دولتی و خصوصی برای کار نبود دوره های کارورزی و آشنایی با رشته در محیط واقعی سازمانها عدم مهارت آموزی لازم در دانشگاه بی توجهی به امر پژوهش
آموزش تخصص بدون مهارت	نامناسب بودن حقوق و مزایای شغل های مرتبط با رشته تحصیلی کم بودن فرصت های شغلی و افزایش متقاضی ها نبود بازار کار پررونق برای رشته های علوم اجتماعی
ابهام ماهوی و کارکردی	عدم توجه به رشته های علوم انسانی در جامعه عدم وجود زیر ساخت لازم برای ایجاد مشاغل جدید در حوزه علوم انسانی
تقاضای محدود و رقابتی در بازار کار علوم انسانی	عدم شناخت سازمان ها از برخی از رشته های تحصیلی کمبود تقاضا در سازمان های دولتی برای استخدامی های مرتبط
جایگاه نامشخص علوم انسانی در فرایند مدیریت جامعه	عدم علاقه به رشته تحصیلی نامرتب بودن رشته در مقطع تحصیلات تکمیلی با رشته لیسانس
ناآشنایی بازار با پتانسیل های دانشگاه	وقفه زمانی پس از فارغ التحصیلی در یافتن شغل عدم معافیت و فاصله از بازار کار
انتخاب نادرست رشته تحصیلی	بی ثباتی اقتصادی و مشکلات اجتماعی نبود سرمایه و زیرساختهای اعطای وام بیکاری زیاد و نبود فرصت شغلی برای همه
مشکلات فردی	بازار کار ناپایدار در کشور شرایط کلان کشور

یکی از مهمترین چالش های فارغ التحصیلان دانشگاهی که با مأموریت دانشگاه ها در راستای پرورش نیروی انسانی مربوط است، به عدم تعامل دانشگاه با بازار کار اشاره دارد که ناشی از طراحی و تدوین رشته های غیرمرتبط با نیاز بازار و عدم تقاضا محور بودن آنها، نبود سازوکار حمایتی دانشگاه از فارغ التحصیلانش و قطع ارتباط با آنها پس از دوران تحصیل، و ارائه برنامه های آموزشی بدون مهارت لازم و عملیاتی است.

چالش مهم دیگر، به ابهام ماهوی و کارکردی رشته های علوم انسانی در جامعه باز می گردد که از یکسو به واسطه کلیشه های موجود در جامعه حول آن مانند توانایی کمتر دانشجویان علوم انسانی نسبت به همپایانشان در رشته های علوم پزشکی و علوم مهندسی، باز می گردد و این دسته از رشته ها را برای جامعه کمتر ضروری، غیرکاربردی و صرفاً به عنوان ابزاری برای پرکردن یخشی از زندگی گروهی از جوانان تلقی می کند. اما عملاً فرصت های شغلی برای آنها در سازمان های دولتی و خصوصی کم و اندک است و بازار کار آن بی رونق. از سوی دیگر به علت کمتر عملیاتی بودن اکثر رشته های علوم اجتماعی، و نبود دوره های کارورزی، پیوند دانش آموختگان این رشته ها با بازار کار بسیار ضعیف و در فرایندی طولانی برقرار می گردد. این در حالیست که

دانشجویان علوم انسانی نسبت به همپایانشان در رشته های علوم پزشکی و علوم مهندسی، باز می گردد و این دسته از رشته ها را برای جامعه کمتر ضروری، غیرکاربردی و صرفاً به عنوان ابزاری برای پرکردن یخشی از زندگی گروهی از جوانان تلقی می کند. اما عملاً فرصت های شغلی برای آنها در سازمان های دولتی و خصوصی کم و اندک است و بازار کار آن بی رونق. از سوی دیگر به علت کمتر عملیاتی بودن اکثر رشته های علوم اجتماعی، و نبود دوره های کارورزی، پیوند دانش آموختگان این رشته ها با بازار کار بسیار ضعیف و در فرایندی طولانی برقرار می گردد. این در حالیست که



دانشگاه‌ها در یک حوزه مستقل از نیاز بازار و نیازمندیهای جامعه به تعریف و تولید رشته‌های آموزشی می‌پردازند و در فرایندی مستقل از بدنه جامعه و مسائل آن، رشته‌ها و محتوای درسی را تعریف و تدوین می‌کنند. چنین مشکلی جز با **سیاستگذاری آموزشی پیوسته با صنعت و تقاضامحور**، مرتفع نخواهد شد. به طور مثال دفتر ارتباط با صنعت در دانشگاه علامه طباطبائی با اهدافی چون:

- ایجاد سازوکارهای لازم در ارتباط با پژوهشکده‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی در دانشگاه و دانشگاه‌های دیگر

- استفاده از پتانسیل‌های موجود در ارتباط با آموزش‌وپرورش و پژوهشکده‌ها و واحدهای تابع آن و بسیاری از اهداف کاربردی دیگر در این موضوع تشکیل شده اما در یافته‌های این تحقیق، فارغ‌التحصیلان تجربه‌ای از کاربردی بودن این دفتر و یا یافتن شغل از طریق آن نداشتند. ظرفیت دیگر نهادی، شورای سیاستگذاری آموزشی در حوزه علوم انسانی و معارف اسلامی که به موجب قانون تأسیس شده و نهادهایی مانند دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و پژوهشگاه‌های مرتبط را شامل می‌شود. هدف این شورا نهادینه‌سازی کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره، و آزاداندیشی در علوم انسانی است. با این حال، یکی از مشکلات عمده این شورا، عدم حضور نمایندگانی از صنعت و بازار در ترکیب اعضای آن است. این مسئله می‌تواند به عدم انطباق برنامه‌های آموزشی با نیازهای بازار کار و عدم دسترسی مناسب فارغ‌التحصیلان به شغل‌های مرتبط منجر شود. همچنین، محتوای درسی به صورت نظری تعریف شده و فاقد دوره‌های کارآموزی و تجربه عملی است، که این نیز مشکلی دیگر در کاربست علوم انسانی در عرصه عمل محسوب می‌شود. در ادامه چند پیشنهاد سیاستی برگرفته از یافته‌های این تحقیق ارائه می‌گردد:

تقویت مهارت‌های عملی و کاربردی دانش‌آموختگان از طریق:

- تعریف کارآموزی در علوم انسانی و عملیاتی‌سازی آن.
- تعریف دوره‌های آموزشی مشترک با صنعت در دانشگاه.
- تشکیل کمیته مشترک صنعت و دانشگاه به منظور:**

جامعه و سازمانهای آن نیز اغلب با پتانسیل‌ها و رشته‌های علوم اجتماعی آشنایی نداشته و اصولاً هیچ راه ارتباطی میان آنها نیز برقرار نیست. این مشکلات در تلاقی با وضعیت نامطلوب اشتغال در سال‌های اخیر و افزایش نرخ بیکاری، مزید بر علت بوده و فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم اجتماعی را با مشکلات بیشتری مواجه کرده است. در تضارب با این عوامل سرگشتگی دانش‌آموختگان پس از فراغت از تحصیل که خود می‌تواند ناشی از ابهام ماهوی و کارکردی رشته‌های علوم اجتماعی باشد موجب می‌شود تا فارغ‌التحصیلان برای مدتی بی‌انگیزه باشند و یا به دلایل فردی از بازار کار فاصله بگیرند و این فاصله گرفتن نزد کارفرمایان توجیهی غیر از ناکارآمدی ندارد.

۷- نتیجه‌گیری

این تحقیق به دنبال رصد وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی به شکلی توصیفی در بازه زمانی ۱۰ سال اخیر بوده و تلاش داشت تا اهمیت رابطه میان دانشگاه با صنعت و بازار کار را نشان دهد. زیرا که پویایی و هدفمندی نظام آموزش عالی از کلیدی‌ترین عوامل توسعه است و آماده کردن دانشجویان برای بازار کار و مشاغل مرتبط از جمله وظایف اولیه در نظام آموزش عالی کشور. از سوی دیگر مروری بر آمارهای مربوطه به دانش‌آموختگان دانشگاهی و در تضارب با آمار مرتبط با بیکاری آنها، بیانگر وجود یک حلقه مفقوده در ارتباط میان دانشگاه با بازار کار و صنعت است.

یافته‌های تحقیق حاکی از آنست که گزینش ناعادلانه در بازار کار، عدم تعامل دانشگاه و بازار، ابهام ماهوی و کارکردی، مشکلات فردی و ناپایداری بازار کار در کشور، از جمله مهمترین چالش‌های پاسخگویان بوده است. از میان این ۵ مشکل شناسایی شده، یک چالش، به طور مستقیم با نقش و کارکرد و عملکرد نظام آموزش عالی در دانشگاه مرتبط است و آن، **به عدم تعامل دانشگاه و بازار کار** باز می‌گردد. به بیان دیگر، یافته‌های این تحقیق حاکی از قطع ارتباط دانش‌آموختگان دانشگاهی با دانشگاه و عدم بهره‌مندی آنها از شبکه روابط حمایتی اساتید و متخصصان پس از اتمام دوره تحصیلی، تقاضا محور نبودن رشته‌های دانشگاهی و عدم آشنایی بازار کار با پتانسیل‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است که موجب گسست پیوند میان دانشگاه و بازار کار می‌شود. درواقع،

در صنایع استان (با دیدگاه صنعت گران و کارآفرینان)، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی (ره)، دانشکده علوم انسانی. قابل دسترس در سامانه گنج ایرانداک: <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/9425af70b7ade48d25444797887fd99a/fulltext>

- الزام دانشگاه‌ها به ارائه مطالعات مسأله محور در حوزه صنعت.

- طراحی بین رشته‌ای‌های مطلوب صنعت کشور.

- طراحی دوره‌های آموزشی کوتاه مدت در دانشگاه برای مدیران صنعتی با تأکید بر مدیریت نیروی انسانی.

- ایجاد سیستم‌های پایش و ارزیابی مستمر به منظور بررسی تاثیر برنامه‌های آموزشی و دوره‌های کارآموزی بر روی بازار کار و رضایت فارغ‌التحصیلان از شغل‌های خود طراحی و اجرا شوند.

- تعریف جایگاه برای مدیران و نمایندگان صنعت و تولید در حوزه سیاستگذاری آموزشی برای دانشگاه‌ها.

- حرکت به سوی استقلال مالی دانشگاه‌ها و تأمین بودجه از بخش صنعت.

- حمایت از شرکت‌های خلاق و فناور در علوم انسانی.

- الزام سازمان‌ها و مراکز دولتی و غیردولتی به اعلام نیازهایشان به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی.

- تعریف نظام مسائل صنعت و درخواست ارائه راهکار از دانشگاه‌ها.

تعریف منافع مشترک و ذینفع کردن دانشگاه‌ها در تولید ارزش اقتصادی.

طراحی و تدوین رشته‌های تقاضا محور به منظور:

- تأکید بر مسأله محوری در تعریف رشته‌های جدید.

منابع

۶. یاراحمدی-صبا (۱۴۰۰)، شناسایی و اولویت‌بندی چالش‌های بکارگیری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های لرستان در صنایع استان (با دیدگاه صنعت گران و کارآفرینان)، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی (ره)، دانشکده علوم انسانی. قابل دسترس در سامانه گنج ایرانداک: <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/9425af70b7ade48d25444797887fd99a/fulltext>

۷. جدیدترین آمار اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها (۱۴۰۱)، سایت ایران کنفرانس، قابل دسترس در:

۱. حسینی-حامد (۱۳۹۹)، چالش‌های اشتغال و کارآفرینی فارغ‌التحصیلان برق استان قزوین، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان، دانشکده علوم انسانی. قابل دسترس در سامانه گنج ایرانداک: <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/0b435eb1d04972af9e9b48715a793c13/fulltext>

۲. سید نقوی و همکارانش (۱۳۹۸)، شناسایی علل ارتباط ضعیف دانشگاه با صنعت و ارائه راهکاری برای بهبود این رابطه، مجلس و راهبرد سال بیست و ششم پاییز ۱۳۹۸ شماره ۹۹، ۳۵-۶۱.

۳. عنوان خبر: "چند درصد از بیکاران فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستند؟"، ایسنا، ۱۵ فروردین ۱۴۰۲، کد خبر: 1402011506134.

۴. مرکز آمار ایران (۱۴۰۳)، چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، دفتر جمعیت، نیروی کار و اقتصاد خانوار. قابل دسترس در: <https://amar.org.ir/statistical-information/statid/53993>

۵. نوذری-حمزه (۱۳۹۸)، راهکاری مؤثر برای رابطه دوسویه میان دانشگاه و صنعت و افزایش مهارت فارغ-التحصیلان، مهارت آموزی دوره ۵ تابستان ۱۳۹۶ شماره ۴ (پیاپی ۲۰) ۲۳-۳۲.

۶. یاراحمدی-صبا (۱۴۰۰)، شناسایی و اولویت‌بندی چالش‌های بکارگیری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های لرستان

- <https://www.iranconferences.ir/%D9%81%D9%86%D9%8A-%D8%8C%D9%85%D9%87%D9%86%D8%AF%D8%B3%D9%8A/9-%D8%A7%D8%AE%D8%A8%D8%A7%D8%B1-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4%DA%AF%D8%A7%D9%87%D9%8A/5560-%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D8%AA%D8%B1%DB%8C%D9%86-%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1-%D8%A7%D8%B4%D8%AA%D8%BA%D8%A7%D9%84-%D9%81%D8%A7%D8%B1%D8%BA-%D8%A7%D9%84%D8%AA%D8%AD%D8%B5%DB%8C%D9%84%D8%A7%D9%86-%>

11. No. 11. Doi: 10.18535/ijstrm/v11i11.sh05
16. Núñez, I. & Livanos, I. (2010). Higher education and unemployment in Europe: An analysis of the academic subject and national effects Article in Higher Education. University of Warwick institutional repository · April 2010 DOI: 10.1007/s10734-009-9260-7 · Source: OAI CITATIONS 158 READS 5,602 2 authors:
17. NUNLEY, J. M., A., ROMERO, P. N., & R. A. SEALS, Jr., 2016: College Major, Internship Experience, and Employment Opportunities: Estimates from a Résumé Audit." *Labour Economics* 38: 37–46.
18. OECD (2023), Education at a Glance 2023: OECD Indicators, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/e13bef63-en>
19. OECD. (2005), governance of innovation system: Vol 2: Case Studies in Innovation Policy, OECD publications. ##
20. Li H, Khattak SI and Shamim MA. (2024). Quality culture, university-industry collaboration, and perceived employability among vocational students in China: A Yanpei Huang perspective. *Front. Psychol.* 15:1439097. doi: 10.3389/fpsyg.2024.1439097
21. PINTO, L. H., & Ramalheira, D. C., 2017: Perceived Employability of Business Graduates: The Effect of Academic Performance and Extracurricular Activities, *Journal of Vocational Behavior* 99: 165–78. ##
22. RITCHIE, C.M, WATES, K. & EDGINGTON, K. (2014). Undergraduate student salary and job expectations: what they think is going to happen and is really going to happen! Retrieved at: <http://www.conferencemgt.com/presseinfo/SEINFORMS%202012%20%20Proceedings/proc/p120501002.pdf>
23. STEWART, A. (2021). The nature and prevalence of internships, Internships, Employability and the Search for Decent Work Experience, ILO 2021.
24. Tomlinson, M. (2012). Graduate Employability: A Review of Conceptual
- %D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4%DA%AF%D8%A7%D9%87%D9%87%D8%A7-(1401-11-16).html
8. Etzkowitz, Henry, (2002), "The rise of the entrepreneurial university," Science Policy Institute, pp.56-59.
9. Guyette, S. (1983). Community-Based Research: A Handbook for Native Americans. American Indian Manuals and Handbooks Series, No.1. Chapter 3. P: 47-48.
10. HELIER, R. & LEE, D., 2014: The Role of Work Experience in the Future Employability of Higher Education Graduates, Volume 68, Issue 3, Special Issue: Employer Engagement, July 2014, Pages 348-372.
11. HUMBURG, M., VAN DER VELDEN, R., & VERHAGEN, A., 2013: The Employability of Higher Education Graduates: The Employer's Perspective, European Commission.
12. JASINSKI, M., BOZYKOWSKI, M., CHLON-DOMINCZAK, A., ZAJAC, T. & ZOLTAK, M., 2017: Who gets a job after graduation? Factors affecting the early career chances of higher education graduates in Poland, *Edukacja* 2017, 4(143), 17–30, doi: 10.24131/3724.170402, ISSN: 0239-6858
13. Job Outlook. (2024). NACE (National Association of Colleges and Employers). Available at: <https://www.naceweb.org/store/2023/job-outlook-2024/>
14. KRAJA, Y. & BORIÇI, A., 2021: Enhancing employability skills valued by employers - Case of Albania, *Academic Journal of Business, Administration, Law and Social Sciences*, IIPCCCL Publishing, Graz-Austria, Vol. 7 No. 3 November 2021, ISSN 2410-3918 Acces online at www.iipcccl.org.
15. Miller, A.D. Batsaikhan, E. Gankhuyag, Z. and Ganbaatar, J. (2023). The Chinese Graduate Unemployment Crisis 2023. A Comprehensive Geo-Educational Study. *International of scientific research and management*. Vol.

27. Y, Kocoglu. & A, Flayols. (2012).” Young Graduates in Southern and Eastern Mediterranean Countries: Untapped. IEMed Mediterranean Yearbook available in:

<https://www.iemed.org/publication/young-graduates-in-mena-countries-untapped-potential-waiting-in-employment-queues/>

28. ZELLWEGER, T., SIEGER, P. & HALTER, F., 2011: Zellweger et al. (2011), Journal of Business Venturing, Volume 26, Issue 5, September 2011, Pages 521-536.

and Empirical Themes. Higher Education Policy. Vol. 25. doi =10.1057/hep.2011.26

25. WANG, C.K. & WONG, P-K., 2004: Entrepreneurial interest of university students in Singapore, Tec novation, Volume 24, Issue 2, February 2004, Pages 163-172.

26. World Economic Forum. (2018). The Future of Jobs Report 2018 Centre for the New Economy and Society”. Cologny/Geneva Switzerland.available at: https://www3.weforum.org/docs/WEF_Future_of_Jobs_2018.pdf



